

درباره پیشینه مزرعه‌ای که امروز بخشی از محله خواجه‌ربیع است

«باغو»؛ مزرعه‌ای کوچک با تاریخی بزرگ

مرضیه ترابی؛ باغ‌مزار خواجه‌ربیع و مناطق اطراف آن، در زمره مکان‌های تاریخی مشهد قرار دارد؛ مکان‌هایی که بی‌تردید پیشینه آن‌ها بسیار طولانی‌تر از این شهر است. قرار گرفتن مزار خواجه ربیع بن خثیم -که از شخصیت‌های شناخته‌شده قرن نخست هجری قمری محسوب می‌شود- در این منطقه، نشان می‌دهد که باید نگاهمان را به تاریخ زمین‌های اطراف آرامگاه خواجه‌ربیع، به‌صورت بنیادی تغییر دهیم. برخی مورخان معتقدند که این منطقه، درواقع همان نوغان قدیم است که یکی از شهرهای مهم خراسان و دومین شهر بزرگ بلوک توس، بعد از تابران، شناخته می‌شد و جاده‌ای که از این شهر به سمت روستای سناباد امتداد داشت، از محلی که امروزه به «راسته نوغان» شهرت دارد، می‌گذشت و پس از عبور از کنار حرم مطهر رضوی و طی کردن جاده‌ای که بعد از سال ۲۰۳ قمری، محل تمرکز فعالیت‌های اقتصادی و به‌نوعی، بازار مشهد قدیم محسوب می‌شد، به این روستای خوش آب‌وهوا می‌رسید. این ادا عا البته تأمل برانگیز است، اما به شواهد تاریخی اتکاپذیر نیاز دارد. به‌هر ترتیب، چه تطبیق اراضی اطراف خواجه‌ربیع را با نوغان قدیم بپذیریم و چه نپذیریم، نمی‌توان در پیشینه طولانی این منطقه تردید کرد. یکی از بخش‌های مهم این اراضی تاریخی که می‌توان ردونشانی از آن را در نقشه‌ها و اسناد قدیمی یافت، مزرعه قدیمی «باغو» است؛ مزرعه‌ای که امروز در محدوده خیابان «مهرمادر» و در شرق باغ‌مزار خواجه ربیع قرار دارد و برای اهالی قدیمی این منطقه، شناخته‌شده است. این مزرعه، از نظر موقعیت جغرافیایی، نقطه مقابل مزرعه «گلشاد» که در غرب باغ‌مزار خواجه ربیع قرار دارد، دانسته می‌شود.

- پیشینه نام «باغو»

درباره نام‌گذاری «باغو»، نمی‌توان به‌طور دقیق اظهارنظر کرد، با وجود آنکه ظاهر واژه، فوراً ما را به یاد کلمه «باغ» می‌اندازد و واداران می‌کند این نام را به واژه «باغ» ربط دهیم و درباره پوشش گیاهی مزرعه باغواظهارنظر کنیم، وجود نام‌هایی مانند «کلاته‌بوغا» به‌عنوان اسم مزارع هم‌جوار مزرعه باغو، باعث می‌شود در این اظهارنظر کمی محتاط باشیم و تایافتن دلایل تاریخی اتکاپذیر منتظر بمانیم. نام «باغو» دست‌کم از اواسط دوره قاجار به این سو، بر روی این مزرعه بوده است. در کتابچه «مزرعه تبادکان» که دربرگیرنده نام آبادی‌های این منطقه در دوره ناصرالدین‌شاه است، به مزرعه باغو با همین نام اشاره شده و آمده است: «مزرعه باغو قدیم النسق است. ۱۰خانوار رعیت از هراتی و بربری از قنات، زرع خود را مشروب می‌کنند. هوایش معتدل است». در سندهای دوره بعد نیز که برخی از آن‌ها امروز در مرکز اسناد آستان‌قدس رضوی نگهداری می‌شود، مزرعه باغو را با همین نام معرفی کرده‌اند، بنابراین باید نام باغو را به‌عنوان نامی قدیمی، بایپیشینه چندفرنی تصور کنیم. مزرعه باغو از شرق به زمین‌های حاجی‌آباد و مزرعه قدیمی و شناخته‌شده دهرود، از شمال به مزرعه زیرکن و از غرب به باغ‌مزار خواجه‌ربیع و مزرعه گلشاد متصل بوده است.

- بحران مزره‌های «باغو»

باتوجه به جمعیت اندک مزرعه باغو، نباید آن را در زمره مزارع بزرگ اطراف مشهد، مانند سمرقند محسوب کنیم. باغو مزرعه‌ای بود که کشاورزان فعال در آن، برای آبیاری کشت و زرع خود، از قنات متعلق به مزرعه استفاده می‌کردند. باتوجه به قدمت «مسجد ابوالفضل باغو» که امروز در خیابان مهرمادر قرار دارد، به احتمال زیاد، این مزرعه هم مانند بسیاری از مزارع شمال مشهد، قلعه‌ای برای سکونت کارگران داشته است. ظاهراً بخش بزرگ مزرعه باغو، موقوفه اولادی محسوب می‌شده و واقف، درآمد آن را وقف اولاد خود کرده بوده است. اما این موقوفه، همواره با اراضی اطرافش بر سر تحدید حدود مشکل داشته است. اساسی‌ترین مشکل متولی موقوفه باغو، دعوای تحدید حدود اراضی متعلق به باغ‌مزار خواجه ربیع بود که طبق گزارش احتشام کاویانیان در کتاب «شمس الشموس»،

همه آن موقوفه آستان‌قدس رضوی دانسته می‌شد، این دعوادر تمام دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی ادامه داشت و بعضی اسناد مربوط به آن، دردسترس است. در سال ۱۳۳۴ قمری (۱۲۹۵ خورشیدی) و دراج‌بحران قحطی بزرگ، درگیری بر سر تعیین حدود مزرعه باغو و باغ‌مزار خواجه ربیع چنان بالاگرفت که سیدجواد ظهیرالاسلام، نایب‌التولیه وقت آستان‌قدس رضوی، ناچار به دخالت مستقیم شد و از میرزا داداود صدرالمحققین (روضة خوان)، از صاحب منصبان آستان‌قدس که مسئول اداره اراضی باغ‌مزار خواجه ربیع بود، خواست که برای رفع مشکل با مستاجر مزرعه باغو، در دفتر نایب‌التولیه حاضر شود. این درخواست به صورت کتبی برای صدرالمحققین فرستاده شده بود و امروز اصل آن در مرکز اسناد آستان‌قدس رضوی، با شماره ثبت ۱۰۴۳۶۸ نگهداری می‌شود، با این حال به نظر می‌رسد که این تلاش‌ها نتوانسته بود مشکل را به‌صورت اساسی حل کند؛ چون مدتی بعد دوباره اختلاف بالاگرفت و ظهیرالاسلام برای رفع آن ناچار شد دستورهایی را برای اجرا، به «دریان باشی کل»

ابلاغ کند تا بتواند به اختلاف ایجاد شده، خاتمه بدهد.

- بحران تغییر الگوی کشت

یکی از نکاتی که باید درباره تاریخ مزرعه قدیمی باغو به آن توجه کنیم، تغییرات مربوط به الگوی کشت در این مزرعه قدیمی است. تائیش از آنکه ساختارها و الگوهای کشت - چنان‌که اشاره خواهیم کرد- در ایران دچار تغییر شود، مزرعه باغو مانند بسیاری دیگر از مزارع هم جوارش، مرکز کشت غلات، محصولات جالیزی و البته محصولات باغی بود. درختان میوه در این مزرعه کم نبودند. قنات پرآبی که در مزرعه جریان داشت، آن را از آب «کشف‌رود» که در فاصله نسبتاً کمی از مزرعه باغو قرار گرفته بود، بی‌نیاز می‌کرد. خاک حاصلخیز یا بهتر بگوییم زرخیز مزرعه باغو، مستعد کشت انواع محصول زراعی بود و از این رو، در آن محدودیتی برای کشت محصولات کشاورزی گوناگون وجود نداشت. اما در میانه دوره قاجار، بخش‌های بزرگی از زمین‌های حاصلخیز ایران، به کشت خشخاش و



نمایی از اراضی باغو



عملیات عمرانی در حدود اراضی خواجه ربیع- دهه ۵۰ قرن ۱۴ خورشیدی

گم شدن پرونده مجرمان در سال ۱۳۲۰ خورشیدی



تیتز «دستگیری فرمانده یک دسته راهزن» در جریده آزادی به چاپ می‌رسد. نوشتار زیر درباره یکی از سارقان و راهزنان آن زمان است که پیش از شهریور ۱۳۲۰ دادگاه لشکر او را محاکمه می‌کند و پس از آن تاریخ با از بین رفتن سوابق و پرونده عملیات، از زندان شهربانی آزاد می‌شود.

البته این شخص، بیکار نمی‌نشیند و پس از آزادی، خیلی زود برای خودش دارودسته‌ای دست‌وپا کرده، دوباره برای مردم مزاحمت ایجاد می‌کند. در ادامه این خبر آمده است: «به‌واسطه از بین رفتن سوابق و پرونده عملیات، نام برده در جریان شهریور ۱۳۲۰ از زندان شهربانی مرخص می‌شود و

تولید تریاک اختصاص یافت؛ آن‌گونه که فرآورده‌های افیونی به نخستین محصول صادراتی ایران تبدیل شد. محمد علی همایون کاتوزیان در کتاب مشهور «اقتصاد سیاسی ایران»، دوره تاریخی مذکور را «دوره ناراضیاتی فراینده اقتصادی» می‌نامد و با استفاده از منابع آماري، نشان می‌دهد که چگونه تا اواخر دهه ۱۲۶۰ قمری، تریاک به محصول اول صادراتی ایران تبدیل شد. در این تغییر الگوی کشت، چنان‌که محمد علی رنجبر و مهدی دهقان حسام‌پور در مقاله «جایگاه تریاک در تجارت خارجی ایران در دوره قاجار (۱۲۱۰-۱۲۳۴ قمری)»، (انتشار یافته در مجله مطالعات تاریخ اسلام، دوره ۶، شماره ۲۱، تابستان ۱۳۹۳) نشان داده‌اند، استعمار انگلیس نقشی بسیار راهبردی و مهم داشت و درحقیقت باید بریتانیا را طراح اصلی این فاجعه اقتصادی در ایران بدانیم. انگلیسی‌ها، به‌ویژه کمپانی یهودی بریتانیایی «سائسون»، خریدار اصلی تریاک ایران بودند. آن‌ها به‌عنوان سوداگران بخش مهمی از تجارت جهانی و پرسود تریاک، نقش بسیار اساسی در دامن زدن به اعتیاد در ایران و دیگر کشورهای آسیایی و به‌ویژه چین ایفا کردند. حاصل این تکاپوهای سودجویانه و غیرانسانی، ضعف بزرگ اجتماعی، فروپاشی ساختار اقتصادی و سرانجام تسلط استعمار بر سرزمین‌های پهناوری مانند ایران و چین بود. مزرعه باغو، درست در همین زمان، گرفتار تغییر در الگوی کشت شد. اسناد مربوط به نیمه دوم دوره قاجار نشان می‌دهد که تولیدات اصلی این مزرعه، از غلات و محصولات جالیزی، به تریاک تغییر یافت. این وضعیت در تمام دورانی که قحطی بزرگ دامن ایرانیان را گرفته بود و طی آن، بیش از ۸ میلیون ایرانی به دلیل سیاست‌های منطقه‌ای انگلیس، بر اثر گرسنگی و بیماری‌های ناشی از آن جان خود را از دست دادند، ادامه داشت. ردونشان این وضعیت را می‌توان در برخی سندهای به‌جامانده از آن دوران یافت، به‌عنوان نمونه سند شماره ۱۰۴۲۴۷، مربوط به سال ۱۳۳۴ قمری (۱۲۹۵ خورشیدی)، از درخواست ظهیرالاسلام برای رفع توقیف محصول تریاک مزرعه باغو از رسوی پیشکار مالیه خراسان و سیستان خبر می‌دهد، درخواستی که درپی مصالحه با متولی این مزرعه و رفع دعوای تحدید اراضی، مطرح و احتمالاً پذیرفته شده بود.

به روایت تاریخ

تلفن خانه مشهد در آتش سوخت



زبیبی؛ در سال ۱۲۸۱ خورشیدی امتیاز تلفن مشهد و توابع آن از طرف مظفرالدین‌شاه به مرحوم «میرزا احمدخان منشورالملک» واگذار می‌شود تا نخستین تلفن‌ها به مشهد قدم بگذارند. البته تعداد خطوط تلفن بسیار کم و حدود هفتاد شماره است. پس از آشنایی مشهدی‌ها با تلفن، از سال ۱۲۰۶ تعداد تلفن‌های مشهد به صد شماره می‌رسد. این رقم در سال ۱۳۱۶ خورشیدی، ۲۵۰ شماره است که تا سال ۱۳۲۰ به پانصد شماره افزایش می‌یابد. وجود تاجران مشهدی و نیاز آن‌ها به این اختراع بشری، سبب توسعه شبکه‌های تلفن در شهر می‌شود، آن‌چنان‌که در سال ۱۳۲۷، مرکز دومی با سیصد شماره در ابتدای بازار بزرگ به نام «مرکز بازار» پا می‌گیرد که بیشتر مشترکان آن را بازرگانان و کسبه مؤسسات دادوستد اطراف فلکه حضرت و بازاریان تشکیل می‌دهند.

این افزایش ناگهانی تقاضا برای دریافت خط تلفن بین سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۶ سبب نایاب شدن خط و شماره در شهر می‌شود، آن‌چنان‌که در مشهد بازار سیاه تلفن به وجود می‌آید اما به‌مرور از شدت آن کاسته می‌شود. حال‌در این شرایط حساب کنید که یکی از تلفن‌خانه‌ها در مشهد دچار آتش‌سوزی می‌شود. این اتفاق در ۲۵ مرداد سال ۱۳۲۵ می‌افتد و در جریده آزادی این خبر منتشر می‌شود: «ساعت ۹:۲۰ صبح پنجشنبه بر اثر افتادن شاه‌سیم برق بر روی سیم‌های تلفن، تلفن‌خانه دچار حریق سختی می‌شود، چون همه سیم‌ها خراب بود دسترسی به جایی نداشتند».

البته شانس با تلفن‌خانه مشهد یار است و خیلی زود این خبر به دیگران می‌رسد، «دو نفر تلفنچی شب و سیم‌بان فوری به رئیس تلفن اطلاع داده و خود مشغول اطفا‌ی آتش و استمداد از همسایه‌ها می‌شوند. در بین آقای رئیس تلفن هم رسیده و با کمک عابربن و همسایه‌ها به هر شکلی بوده حریق را خاموش می‌کنند و نمی‌گذارند که همه تلفن‌خانه بسوزد. آقای رئیس شهربانی و عده‌ای هم پاسبان به محل حریق به کمک می‌شتابند.»

این خبر درباره وضعیت تلفن‌خانه پس از آتش‌سوزی چنین گزارش می‌کند: «در نتیجه حریق فقط یک دستگاه صدشماره‌ای به‌کلی سوخته و بقیه شماره‌ها نیز طوری صدمه می‌بینند که صبح به‌کلی مکالمات تلفنی شهر به حال تعطیل برود. صبح فوری آقای استاندار به آقای صنعتی تأکید در دایر کردن خطوط و رشته‌های حساس نموده و تاکنون قسمتی از ادارات اصلاح شده، امید است تا بعد از تعطیلی کلیه سهم‌ها دایر شود.»

روزنامه آزادی در آخر از اقدام به موقع در مهار آتش‌سوزی تشکر کرده و می‌نویسد: «ما قدردان زحمات رئیس و کارکنان تلفن سائر کسانی که در اطفا‌ی حریق کوشش کرده(هستیم) و اگر نه ممکن بود تا شش ماه مشهد بی‌تلفن بماند. انتظار داریم این دستگاه‌های شماره که بسیار فرسوده است، عوض و تلفن‌ها اساساً اصلاح شود.»

منابع،

جلد یازدهم اخبار خراسان، نوشته سیدمهدی سیدقطبی

بازخوانی تاریخ ورود تلفن به مشهد و ایران، نوشته هما سعادت‌مند

خبر سوخته

خیام؛ زیباترین دبستان مشهد در دهه ۳۰

نعیمی؛ اگر به دنبال نام‌ونشان مدرسه «خیام» می‌گردیم، باید اکنون آن را در هیبت هنرستان فنی‌وحرفه‌ای دخترانه در محله سراب پیدا کنیم. این مدرسه در دهه ۳۰ و برپانه‌های قبرستان سراب بنا شد و نام خیام به خود گرفت و تنها سه سال بعد به دبیرستان دخترانه «ایران‌دخت» تبدیل شد و پس از پیروزی انقلاب نیز از دبیرستان دخترانه به هنرستان دخترانه «زکریای رازی» تغییر وضعیت داد. خبر افتتاح این دبستان، ۲۳ فروردین سال ۱۳۲۶ خورشیدی در روزنامه آزادی به چاپ رسید طبق خبر روزنامه آزادی، ساختمان این دبستان شش کلاس دارد که از طریق عوارضی که سال پیش در انجمن شهرداری برای تأسیس دبستان وضع شده، در محله سراب، ساخته شده است.

در صفحه یک این جریده، درباره مراسم افتتاحیه این دبستان آمده است: «برای افتتاح رسمی آن از طرف اداره فرهنگ خراسان، دعوتی از آقایان افسران ارشد، رؤسای ادارات، ارباب جراند، محترمین شهری شده و آقایان مدعوین، ساعت ۴ عصر شنبه در دبستان حضور به هم رسانیدند. پس از صرف چای و شیرینی، آقای بهادری، معاون فرهنگ، خطابه‌ای مبنی بر چگونگی اقدام شورای عالی فرهنگ و اداره فرهنگ در پیش‌بینی عوارض و وضع عوارض در انجمن شهرداری و کیفیت ساختمان دبستان مزبور، تحت نظر کمیسئون مخصوص ایراد کرده و نام کسانی را که در این امر خبر فرهنگی خدمت نموده‌اند، برشمرده و اظهار تشکر کردند» سپس یکی از دانش‌آموزان پشت تریبون می‌رود و خطابه‌ای پرشور با عنوان «خدمت به فرهنگ، باعث نام جاویدان است» قرائت می‌کند و مسئولان به جلوی ساختمان می‌روند و یکی از خیران مدرسه، روبان آن را می‌برد.

در ادامه این خبر آمده است: «نوار جلوی عمارت را آقای عبدالحسین ملکی که زحماتی را در راه تصویب عوارض و همکاری در ساختمان مدرسه تحمل کرده بودند، در میان کف زدن حضار مقراض نمودند و حضار، کلاس‌ها و سایر قسمت‌های ساختمان را بازدید کردند و ساعت ۶ جشن پایان یافت.»

روزنامه آزادی در پایان این گزارش توصیفی می‌نویسد که افسوس ندیدن این مدرسه را در دل خواننده‌های کنونی روزنامه روشن می‌کند: «این دبستان، زیباترین دبستان‌های جدید الاحداث مشهد می‌باشد و امیدواریم از ممر عوارض مصوبه تا چند سال دیگر از قبیل ساختمان‌ها چندان افزایش یابد که حوائج فرهنگ مرتفع گردد.»

شهریار

۳ شنبه ۸ مرداد ۱۴۰۳ ۱۹ آبان ۱۴۰۲ شماره ۲۲۷

۱۵



تاریخ و هویت

مشهد قدیم